

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Reports	گزارشها
---------	---------

یک تن از خوانندگان پورتال – امریکا

۱۱ فبروری ۲۰۱۲

باز هم افتضاح،

لت و کوب سفیر افغانستان در واشنگتن

به دنبال آن که سفیر قبلی اداره مستعمراتی کابل در زیر ضربات افشاء کننده پورتال ناگزیر شد، استعفاء نموده چوکی خدادادش را به کس دیگری بسپارد؛ از آن جایی که فساد در تمام ابعاد آن منوط به بودن و یا نبودن این فرد و یا آن فرد نبوده بلکه ناشی از سیستمی است که افراد در آن کار می نمایند، نه تنها اوضاع نمایندگی اداره مستعمراتی کرزی در واشنگتن بهبود نیافت بلکه روز تا روز خرابتر نیز شد.

یگانه امری را که سفیر جدید و کارکنان آن با تمام قوا می کوشیدند تا جلو آن ایستادگی نمایند، مجاری درز خبر و مسدود ساختن آنها بود. آنها که از بی بندوباری های سفیر قبلی و افتضاحی را که به وجود آورد درس گرفته بودند، سخت تلاش نمودند تا هر آن کسی را که درز اخبار سفارت و ارسال تصاویر آنچنانی محافل شبنشینی آن را به پورتال متهم تشخیص می دادند، زیر استنطاق برده به اصطلاح با کشف خبر چین پورتال مجاری درز اخبار و گزارشات سفارت را ببندند.

جدیت اداره مستعمراتی کابل زمانی در مبارزه علیه درز خبر به همگان مشخص گردید که به اصطلاح لوی خانوال اداره مستعمراتی کابل سرانجام فرزند خود را که طبق شنیدگی ها از یک بستر لومپنی وابسته به خاد قبلی برخاسته به مثابه یگانه شخص معتمد جهت کنترل اوضاع در سفارت اعزام داشت.

همان طوری که نوشتیم از آن جایی که سیستم در کل فاسد و فساد پرور است، این تحفه اداره مستعمراتی هم دسته گلی به آب داده که بینی بریدگی آن کمتر از قبل نمی باشد. این شما و این هم متن گزارشی که یک تن از خوانندگان عزیز پورتال برای ما ارسال داشته است:

« روز سه شنبه مؤرخ ۱۸/۱۱/۱۳۹۰ به ساعت ده بجۀ قبل از ظهر به وقت و اشنگتن، آقای "اکلیل حکیمی" سفیرکبیر و نماینده فوق العاده جمهوری اسلامی افغانستان در واشنگتن- ایالات متحده امریکا، توسط آقای "هارون الکو" مستشار آن سفارت مورد لت و کوب قرار گرفت.

این حادثه زمانی به وقوع پیوست که آقای "هارون الکو" مستشار سفارت افغانستانی در واشنگتن و پسر آقای "محمد اسحاق الکو" لوی خارنوال جمهوری اسلامی افغانستان صبح سه شنبه حین ورود به دفتر کارش در سفارت متوجه می شود که کامپیوتر لبتاب وی به سرقت برده شده است و همین بهانه ای می شود برای کشودن عقده های دیرینه اش در برابر سفیر.

در همین جاست که آقای "الکو" با عصبانیت اتاق خود را به قصد منزل پائین که اتاق سفیر در آن موقعیت دارد ترک گفته و بدون دق الباب داخل اتاق سفیر شده و با لحن تند به طرف سفیر کرده و می گوید: "برخیز که دزد هایت کامپیوتر مرا دزیده اند" و دست خود را به طرف سفیر دراز کرده و از نکثائی سفیر محکم گرفته و در مغایرت با تمام اصول و پرنسیب های دیپلوماتیک و حتی قواعد اخلاقی، او را کش کش کنان به طرف منزل بالا برده و داخل اتاق خود می نماید.

از کوتاهی بخت که در همین لحظه آقای "سروش" یکی دیگر از مستشاران آن سفارت که روابط تنگاتنگی با سفیر دارد و هنگام تقرر آقای "اکلیل حکیمی" به حیث سفیر در واشنگتن جزو تیم کاری اش به حیث مستشار به این سفارت آورده شده است، متوجه می شود که آقای "الکو" شخص سفیر را با بی حرمتی به مانند یک متهم به طرف بالا می کشاند، به عجله خود را از عقب آنها به داخل دفتر آقای "هارون الکو" می رساند و به مجردی که می خواهد تا یخن سفیر را از دست آقای "الکو" رها کند، در اثر یک سوء تفاهم کوچک آقای "الکو" فکر می کند که شاید آقای سروش به طرفداری از سفیر به او حمله ور شود، وی که پیشینه ورزشی خوبی در رشته بوکس دارد، برق آسا با مشت محکم (هاکن) یکی به روی سفیر و مشت دیگری (اپرکت) هم به روی آقای "سروش" حواله می کند که زد و خورد میان آنها جان تازه می گیرد و جنگ حدودا ده دقیقه در عقب درهای بسته میان این دیپلماتان ادامه پیدا می کند که در نتیجه بر اثر تلاش آقای "میرویس ناب" و "تقی خلیلی" پسر ارشد "محمد کریم خلیلی" معاون دوم ریاست جمهوری اسلامی افغانستان که دوتن دیگر از مستشاران آن سفارت اند، دروازه اتاق باز شده و به حیث نیروی میانجی و خلاص گیر وارد اتاق می شوند مگر کار از کار گذشته بود صرف توانستند که مانع کشتن سفیر و یا آقای "سروش" توسط آقای "الکو" شوند و با سرعت تمام آقای سفیر را چهار دست و پا به اتاقش برده تا از نظر بقیه اعضای سفارت و کارمندان خدماتی پنهان نگه دارند و آقای سروش را به وسیله موتر راهی شفاخانه مینمایند.

شانس خوبی که نصیب طرفین زد و خورد گردیده این است که چون محل حادثه داخل محوطه سفارت است بنابراین با استفاده از مصونیت های دیپلوماتیک جلو مداخله پولیس امریکا گرفته می شود و حالا که چند روز از حادثه می گذرد جناب آقای "اکلیل حکیمی" سفیر کبیر و نماینده فوق العاده جمهوری اسلامی افغانستان در واشنگتن تحت مداوای خانگی در اقامتگاه شان و آقای "سروش" زیر مراقبت شدید دکتران در یکی از شفاخانه های نزدیک به سفارت، قرار دارند و متأسفانه تنها اجرائتی که در زمینه صورت پذیرفته است، حسب هدایت تلفونی سفیر، موضوع طی مکتوب رسمی که توسط آقای "عبدالحکیم عطارد" مستشار و مسؤول امور قونسلی سفارت و "میرویس ناب" آماده شده بود و پس از گرفتن امضای سفیر در بستر بیماری اش، به مرکز (وزارت امور خارجه) انعکاس داده شد و در آن از مقام وزارت امور خارجه تقاضا به عمل آمده است که آقای "هارون الکو" را از این سفارت به جای دیگری تبدیل نمایند.

این موضوع با واکنش آقای "محمد اسحاق الکو" لوی خارنوال جمهوری اسلامی افغانستان مواجه شده است و در این واکنش لوی خارنوال طی تماس تلفونی با وزیر امور خارجه، اخطار داده است که در صورت کدام اقدام در

برابر پسرش ، وی تمامی دوسیه های فساد و اختلاس سفارت خانه ها و جنرال قونسلگری های افغانستان را در خارج و همچنان از مرکز وزارت امور خارجه را دوباره روی دست گرفته قضیه را رسانه ئی نیز خواهد ساخت .
فعلا در عدم موجودیت آقای سفیر و آقای "زمری اعظمی" که پسر کاکای "جلالتمآب محترم حامد کرزی رئیس جمهور جمهوری اسلامی افغانستان" است و در بدماشی از خود نام و نشانی دارد که نمونه اش را در اخبار قبلی در رابطه به لت و کوب آقای قدیر نور یکی از دیپلماتان این سفارت ، با چشم سر مشاهده فرمودید و فعلا در رخصتی های زمستانی به سر می برد، به زور لوی څارنوال، شخص آقای "محمد هارون الکو" از امور سفارت سرپرستی می نماید.

تلکس شایعات

تاریخ انتشار: ۱۸:۱۰ ۱۳۹۰/۱۱/۲۰

کد خبر: ۳۲۵۲۶

منبع:

نسخه چاپی

افزوده:

وقتی دولتی دست نشانده و به اراده اجنبی به وجود آمده باشد و در تمام ادارات آن فساد، ارتشاء و زور گرایی فریاد زده بیداد کند و شخص رئیس اداره به علاوه آن که در نزد مردم افغانستان از کمترین عزت و اعتباری برخوردار نباشد بلکه با دارانش هم به وی ارزش سگ را قایل نباشند، مبرهن است که نماینده و یا سفیر همچو اداره ای نزد دوست و دشمن از کمترین اعتباری برخوردار نبوده و نمی تواند انتظار حرمت و احترام از کارمندانش را داشته باشد.

چنانچه وقتی "عطا نور" جنگسالار جنایتکار وابسته به نیروهای وطن فروش جمعیت - شورای نظار والی ولایت "بلخ" به دهن فرد اول اداره مستعمراتی یعنی شخص "حامد کرزی" ملی ریزه ننماید، چه انتظاری می توان از فرزند لوی څارنوال آن اداره داشت.

قسمت هیجان انگیز داستان که حتماً شما را در جریان آن قرار خواهیم داد زمانی اتفاق خواهد افتاد که "زمری اعظمی" پسر کاکای "کرزی" از مسافرت برگردد. فقط در آن وقت است که جنگ لومپنها در داخل سفارت ماهیت اصلی رژیم دست نشانده و نمایندگان آن را آشکار خواهد نمود.

به دوستانی که نمی خواهند چنین صحنه های جذابی را بدون سند بگذارند، پیشنهاد می نمائیم تا کمره ها و تیلفونهای دستی شان را جهت مستند سازی وقایع آینده از یاد نبرند.

اداره پورتال AA-AA